



دکتر مرتضی رهنما

استادار رشته تاریخ و تمدن عال اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد

تاریخ نگاری عظاملک جوینی و لزوم پژوهشی

نو درباره آن

ابوالمظفر علاءالدین عظاملک بن محمد جوینی در سال ۶۲۲ یا ۶۲۳ ق در خاندانی دبیرپرور در آبادی بزرگ آزادوار که تا پیش از هجوم مغولان مرکز ولایت جوین/گویان یا گویان به شمار می‌رفت، متولد شد.^۱ سابقه حرفه دیوانی خاندان او دست کم به دوره سلطان سنجر (حک. ۶۱۱-۶۵۷ ق) و محتملاً به نخستین حکومت‌های ایرانی پس از اسلام می‌رسید. اگر چه نسب عظاملک جوینی در آثار خود او یعنی تاریخ جهنگشای و تسلیه الاخوان و نیز در آثار فارسی دوره ایلخانان نیامده است، آثار عربی نگارش یافته در سرزمین عراق و شام از جمله تاریخ اسلام ذهبی به نقل از کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد بغدادی مشهور به ابن قَوطی (۷۲۳-۶۴۲ ق) مورخ مخصوص عظاملک، الفخری فی آداب السلطانیة اثر ابن طقطقی و نیز در عمده الطالب اثر ابن عنبه (حدود ۸۷۸-۸۷۴ ق)، نسب او را به فضل بن ربیع (د. ۲۰۸ ق)^۲ و وزیر هارون (حک. ۱۷۰-۱۹۳ ق) و امین عباسی (حک. ۱۹۸-۱۹۳ ق) رسانده‌اند.^۳ اما در آثار فارسی، به گفته قزوینی، عظاملک جوینی را قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین و به تبع او رضاقلی خان هدایت در مجمع الفصحاء از خاندان امام‌الحرمین جوینی (د. ۴۷۸ ق)، عالم برجسته شافعی و نخستین مدرس نظامیه نیشابور، دانسته‌اند.^۴ از میان این دو نسب، قزوینی و محققان بعد از او، نظر نویسندگان عرب نویس را پذیرفته و جوینی را از خاندان فضل بن ربیع به شمار آورده‌اند، لیکن این محققان تحلیلی در مورد صحت این نسب و ترجیح آن بر نسب موجود در منابع فارسی، ارائه نکرده‌اند.

شماره ۱۷

۲۷

^۱ جوین تا پیش از حمله مغولان از توابع نیشابور محسوب می‌شد، اما پس از آن به‌طور مستقل از توابع ولایت سیستان و بلخ و نیشابور به‌شمار رفت. سیدتک باقرت حدادی ج ۳، ص ۱۶۴-۱۶۳، مصادف مستوفی، ص ۱۸۷.
^۲ برای اطلاع از شرح احوال او نکند: DUBBERS, D. "AL-FUJAJ AL-RAMZI, DL. V. ۱, pp. 216-217.
^۳ شیبلی، ج ۱، ص ۸۳-۸۲، ابن طقطقی، ص ۱۷۷، مقدمه قزوینی بر تاریخ جهنگشای، ج ۱، ص ۱۲۲، وجیه‌زاده ج ۱، ص ۱۱، ذیل مقاله جوینی.
^۴ عظاملک، مستوفی، ج ۱، ص ۱۹.

شماره ۳۳
مهر ماه
۱۳۸۸
۴۸

به هر صورت، این مشخص است که منتجب‌الدین بدیع، نویسنده عتبه الکئبه و دبیر و مصاحب پيام سلطان سنجر، دایمی پلریزرگ پدر عظاملکته، یعنی بهاء‌الدین محمد بن علی، بوده است. بهاء‌الدین محمد خود نیز در سال ۵۸۸ ق و وارد تشکیلات دیوانی تکش خوارزمشاه گردید، و پس از آن فرزند و نوادگان نیز حرفه دبیری او را در دربار خوارزمشاهیان پی گرفتند. پلریزرگ عظاملکته در خدمت

سلطان محمد خوارزمشاه بود که مغولان به ایران هجوم آوردند. او با فرار و سرانجام مرگ سلطان محمد به خدمت فرزندش جلال‌الدین درآمد و ظاهراً پس از مرگ جلال‌الدین (۶۷۸-۵۹۶ ق) یا در میانه نزاع او با مغولان، همراه فرزند خود، بهاء‌الدین محمد بن محمد، وارد تشکیلات مغولان در ایران شد.^۵ عظاملکته نیز به تصریح خویش در حدود هفده یا هجده سالگی یعنی در حدود ۶۴۰ ق در کنار پدر به کارهای دیوانی حاکم مغول ایران مشغول گردید و لز ۲۷ سالگی نگارش تاریخ جهانگشای را آغاز کرد. او تألیف خود را پس از حدود ۸ سال در ۶۵۸ ق و در

همان سالی که به حاکمیت بغداد و توابع آن منسوب شد، به پایان برد.^۶ تألیف او به‌عنوان نخستین اثری فارسی در مورد تاریخ مغولان، بسیار شکوهمند از کار درآمد که این بی‌گمان حاصل پیشه دبیری و تجربه خاتمتنی لوسته نثر کتاب از برجسته‌ترین نمونه‌های نثر فنی، مصنوع و منشیانه است که همین ادبیات فاخر و اثرگذار موجب معرفی و نقلهای متعدد ادبی آن شده است. معرفی این اثر از پژوهش‌های مستشرقین در سده ۱۹ و اوایل ۲۰ آغاز شد، اما نخستین گزینشی که به نقد ادبی آن نیز اهتمام ورزید، مقدمه مصحح لول آن یعنی علامه محمد قزوینی است.^۷ از آن زمان تاریخ جهانگشای مورد پژوهش‌های ادبی، پرشماری قرار گرفته است که در قالب کتاب و یا مقاله مستقل به چاپ رسیده‌اند.^۸ چنان‌که از عنوان این پژوهش‌ها آشکار است، جوانب مختلف ادبیات تاریخ

۵. قزوینی، مقدمه به تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۲۸-۲۷.
 ۶. تکمیل قزوینی، مقدمه به تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۵۲-۵۳.
 ۷. نیک‌صالح، ج ۱، ص ۱۹-۱۸، ۹۹-۹۸.

۸. جندی از بررسی جوانب ادبی تاریخ جهانگشای خویش در کتاب مختلف مربوط به تاریخ ادبیات فارسی، مقالات بسیار پرباری نیز در مورد آن نوشته است. نکته دیگر زیر تهاشم‌نصرت برسی از آن‌هاست که می‌شود در ج موعر که بسیار جالب است. کار که معنی ادبی تاریخ جهانگشای خویش را پژوهش‌ها و مرگ و کشته (۱۳۶۶ دوره گمش ۱۲، در بیان معانی شاه‌باری علی‌علی با اعلام یکی از ویژگی‌های سبکی تاریخ جهانگشای خویش را سبک‌شناسی علم و نثر فارسی شاه‌احمد پادشاه ۱۳۶۲ ش ۱۳، موسوی، مقدمه و تراجم و معنوی، تاریخ جهانگشای خویش را در ادبیات (۱۳۶۸ ش ۱۳۰، ۳۲۳، علی‌قزینی، کلی، در سیمیناد شوه‌های کلیدی آیات و احادیث و در تاریخ جهانگشای خویش متن پژوهش‌های ادبی (۱۳۶۵ ش ۱۳۹، سید محمد باقر و ناصر و جعفر در تاریخ جهانگشای خویش متن پژوهش‌های ادبی از مسکن ۱۳۶۴ ش ۱۳۶، مقدمه‌ای در ادبی، روش‌ها و روش‌های پژوهش‌ها در تاریخ جهانگشای خویش، کنه‌های معانی فارسی (۱۳۶۰ ش ۱۱، طهماسبی، فرهاد و ده تلاوی و پیکار پرس و انجمنی، سبک‌شناسی و استعارات تاریخ جهانگشای خویش، انوار ادبی (۱۳۶۰ ش ۱۲، و بی‌وجهی، دستور ادبی، تاریخ جهانگشای خویش پژوهش‌های ادبی و بلاغی، الفبانه (۱۳۶۲ ش ۱۳، شایانی، مقدمه و مقدمه‌های مقاله‌های ادبی‌خانی در تاریخ جهانگشای خویش، مقالات زبان و ادبیات فارسی (۱۳۶۱ ش ۱۳، خانی، سبک‌شناسی و سبک‌شناسی زبان، ادبیات معاصر و دستورهای ادبی، روشی در تاریخ جهانگشای خویش، تاریخ ادبیات ایران و افغانستان (۱۳۶۱ ش ۱۳۰، ایران، زبان‌شناسی، تاریخ جهانگشای خویش و بررسی جنبه‌های نثری و سبکی آن، در جهت نوع شناسی ادبی، کنه‌های ادبی فارسی (۱۳۶۱ ش ۱۳۰، ج ۱) در سال ۱۳۶۳ نیز نشریات ادبی، کنه‌های نثری و سبکی جهانگشای خویش نوشته علی‌اکبر لاری، در طبع و سبک‌شناسی ادبی، کنه‌های ادبی فارسی، نویسنده و سبک‌شناسی، مقدمه و روش در سبک‌شناسی تاریخ جهانگشای خویش، سبک‌شناسی و سبک‌شناسی، مقاله‌های جدید ادبی، ادبیات فارسی، در مورد سبک‌شناسی و آثار سبک‌شناسی

مربوط به تاریخ ادبیات فارسی، مقالات بسیار پرباری نیز در مورد آن نوشته است. نکته دیگر زیر تهاشم‌نصرت برسی از آن‌هاست که می‌شود در ج موعر که بسیار جالب است. کار که معنی ادبی تاریخ جهانگشای خویش را پژوهش‌ها و مرگ و کشته (۱۳۶۶ دوره گمش ۱۲، در بیان معانی شاه‌باری علی‌علی با اعلام یکی از ویژگی‌های سبکی تاریخ جهانگشای خویش را سبک‌شناسی علم و نثر فارسی شاه‌احمد پادشاه ۱۳۶۲ ش ۱۳، موسوی، مقدمه و تراجم و معنوی، تاریخ جهانگشای خویش را در ادبیات (۱۳۶۸ ش ۱۳۰، ۳۲۳، علی‌قزینی، کلی، در سیمیناد شوه‌های کلیدی آیات و احادیث و در تاریخ جهانگشای خویش متن پژوهش‌های ادبی (۱۳۶۵ ش ۱۳۹، سید محمد باقر و ناصر و جعفر در تاریخ جهانگشای خویش متن پژوهش‌های ادبی از مسکن ۱۳۶۴ ش ۱۳۶، مقدمه‌ای در ادبی، روش‌ها و روش‌های پژوهش‌ها در تاریخ جهانگشای خویش، کنه‌های معانی فارسی (۱۳۶۰ ش ۱۱، طهماسبی، فرهاد و ده تلاوی و پیکار پرس و انجمنی، سبک‌شناسی و استعارات تاریخ جهانگشای خویش، انوار ادبی (۱۳۶۰ ش ۱۲، و بی‌وجهی، دستور ادبی، تاریخ جهانگشای خویش پژوهش‌های ادبی و بلاغی، الفبانه (۱۳۶۲ ش ۱۳، شایانی، مقدمه و مقدمه‌های مقاله‌های ادبی‌خانی در تاریخ جهانگشای خویش، مقالات زبان و ادبیات فارسی (۱۳۶۱ ش ۱۳، خانی، سبک‌شناسی و سبک‌شناسی زبان، ادبیات معاصر و دستورهای ادبی، روشی در تاریخ جهانگشای خویش، تاریخ ادبیات ایران و افغانستان (۱۳۶۱ ش ۱۳۰، ایران، زبان‌شناسی، تاریخ جهانگشای خویش و بررسی جنبه‌های نثری و سبکی آن، در جهت نوع شناسی ادبی، کنه‌های ادبی فارسی (۱۳۶۱ ش ۱۳۰، ج ۱) در سال ۱۳۶۳ نیز نشریات ادبی، کنه‌های نثری و سبکی جهانگشای خویش نوشته علی‌اکبر لاری، در طبع و سبک‌شناسی ادبی، کنه‌های ادبی فارسی، نویسنده و سبک‌شناسی، مقدمه و روش در سبک‌شناسی تاریخ جهانگشای خویش، سبک‌شناسی و سبک‌شناسی، مقاله‌های جدید ادبی، ادبیات فارسی، در مورد سبک‌شناسی و آثار سبک‌شناسی

جهانگشای در آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است، تا بدان جا که برای نمونه سه سبک ادبی ساده و مصنوع نویسنده و نیز شنای ساده‌تر بخش‌های مغفول از دیگران در بخش‌های مختلف کتاب مشخص شده و تفاوت لحن کلام را در فصول کتاب مورد بررسی قرار داده‌اند.^۱

اما با وجود این توجه اهل ادب آثار مربوط به نقد تاریخی این اثر چندان پر شمار نیست. جنای از مقدمه مفصل و ارزشمند علامه قزوینی بر تاریخ جهانگشای و مقدمه بویل بر ترجمه این اثر به انگلیسی، مهم‌ترین تحقیقاتی که از منظر تاریخ‌نگاری نیز به آن اهتمام ورزیده‌اند عبارت‌اند از: سه مدخل «تاریخ جهانگشای» در دانشنامه جهان اسلام، دایرة المعارف بزرگ اسلامی و ایریکا و دو مقاله از آن اسماعیل حسن‌زاده و مقالهای نوشته مجوبه شرفی.^۲ این توجه ناکافی ظاهراً بیش از همه ناشی از برجستگی جامع التواریخ اثر خواجه رشیدالدین فضل‌الله است که تاریخ جهانگشای را تحت الشعاع خود قرار داده است؛ زیرا افزون بر جامع بودن تألیف

تاریخ جوینی
از آن جهت که موضوع
محوری آن تاریخ
حکومت طایفه‌های
کافر، یعنی مغولان
است، در نوع خود
پیشگام است زیرا آثار
پیشین فارسی همه در
حول حاکمان مسلمان
نوشته شده بود

خواجه رشیدالدین و گسترده‌شده بودن آن به سایر سرزمین‌های اسلامی و حتی سایر مناطق شناخته‌شده و معبر جهان تقریباً حاوی تمام مطالب جهانگشای جوینی همراه با جزئیاتی افزون‌تر نیز هست.^۳ با وجود این، تقدم منبع، گزارش بر اساس استماع و مشاهدات خود مؤلف و نشان دادن روح زمانه از طریق انشا و گزینش واژگان و اصطلاحات ویژه و ویژگی ممتاز تاریخ جهانگشای است. افزون بر این، اطلاعات این اثر فراتر از تاریخ سیاسی است. تألیف جوینی داده‌های ارزشمندی از وضع جغرافیایی، اقتصادی و به‌ویژه اجتماعی ایران آن دوره خاصه در ضمن شرح او از روند فتح شهرهای مختلف ایران در جلد نخست، به دست می‌دهد. این جلد حاوی داده‌های منحصر به فردی نیز در مورد زبان و فرهنگ لویقوری است.^۴ مواء این امتیازات، تاریخ جوینی از آن جهت که موضوع محوری آن تاریخ حکومت طایفه‌های کافر، یعنی مغولان است، در نوع خود پیشگام است، زیرا آثار پیشین فارسی همه در حول حاکمان مسلمان نوشته شده بود.^۵

تاریخ جهانگشای مشتمل بر سه جلد در تاریخ مغولان، خوارزمشاهیان و اسماعیلیان الموت است که بدین ترتیب افزون بر تاریخ مختصر مغولان، تاریخ ایران را نیز کم‌وبیش از حدود نیمه دوم سده پنجم تا سال ۶۵۵ ق و وایت مرکتد، نقد تا بخارا، اثر نظام‌الدین، سده پنجم تا سده ششم هجری قمری، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱.

^۱ نک: بهار، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱.
^۲ نک: برتسوی، ص ۱۶۸ و ادامه مقاله.

^۳ اگرچه برخی معتقدند که خواجه رشیدالدین تمام جهانگشای را رونویسی کرده است، اما پژوهش تطبیقی هیل (ص ۱۰۰-۱۰۱) حاکی از تفاوت‌های بازرین مو تألیف در ذکر مشاهدات مشترک است. از سوی دیگر موسوی نیز معتقد است که شباهت‌های ملاحظه‌شده در تاریخ در مورد سلسله‌های قدرت با تاریخ جهانگشای به سبب اشتراک منابع این دو تألیف است نه رونویسی رشیدالدین فضل‌الله از تألیف جوینی، نک: موسوی، ص ۱۶۳.

^۴ نک: روسی، ج ۱، ص ۱۱۵.

شماره ۳۳
پیاپی ۱۰
۵۰

نویسنده از نگارش آن، منشی و روش او، محتوا، منابع و شیوه گردآوری اطلاعات آن است. از دیباچه مختصر جلد سوم تاریخ جهانگشای چنین برمی آید که جبرینی آن را به دو مجلد تقسیم کرده بود که مجلد پیشینه خروج چنگیزخان و استیلای او بر اقالیم و جلوس قآن و کیوک خان و کیفیت وقایعی که در عهد ایشان بوده بحسب معرفت مسطور شد و احوال سلاطین خوارزم و غیر ایشان از طرف نشینان بر اندازه وقوف از ابتدای کار تا انتهای روزگار هر یک مذکور گشت. اکنون دین مجلد دیگر ذکر جلوس پادشاه جهان منکوقآن و امور و احوال که در عهد خانی او واقع گشت و می گردد و حرکت پادشاهزاده گیتی، هولاکو به بلاد غربی و کیفیت احوال هر یک از ملوک عصر و طرف نشینان وقت در مطاوعت و عصیان از آغاز تا سرانجام یاد کرده می شود^۱. باوجوداین، مجلد پیشینه، در چاپهای کتونی تاریخ جهانگشای، به دو جلد مجزا تقسیم شده و مجموعاً کتاب در سه جلد به چاپ می رسد.

محتوای جلد نخست را سواى دیباچه‌ای کوچک می توان به سه بخش کلی تقسیم کرد: بخش نخست شامل گزارش از جغرافیای مغولستان، اقتصاد و اجتماع اهالی آنجا پیش و پس از ظهور چنگیز خان، چگونگی بر آمدن و موفقیتش در سيطرة بر مغولستان و آغاز کشورگشایی او است. بخش دوم به گزارش اختلاف چنگیز با سلطان محمد خوارزمشاه، هجوم و مسیر لشکر کشی او به ایران، چگونگی سقوط شهرها و ولایات مختلف ایران و پیامد آن و بخش سوم به شرح احوال جانشینان چنگیز خان (د. ۶۲۴ق.)، رویدادهای دوران آنها و ادامه کشورگشایی مغولان در اطراف و شمال دریای مازندران اختصاصی دارد.

جلد دوم تاریخ جهانگشای نیز شامل سه بحث کلی زیر است: بخش نخست روایت رونده نسبتاً مختصر تشکیل حکومت خوارزمشاهیان و تحولات این حکومت تا سلطنت علاءالدین محمد خوارزمشاه، بخش دوم روایت تاریخ نسبتاً مفصل دوره حکومت سلطان محمد خوارزمشاه و پسرش جلال‌الدین و نیز حاکمیت یاقن براق حاجب و فرزندانش در کرمان و سرانجام بخش سوم، گزارش وقایع دوره حاکمیت کارگزاران مغول تا پایان دوره حاکمیت اورغون، بر ایران. جلد سوم چنانکه از عنوان آن در تاریخ منکوقآن و هولاکو و اسماعیلیه، پیداست، حاوی سه بخش کلی تاج گذاری و احوال و اعمال و دولتمردان منکوقآن (حکمت. ۶۵۷-۶۴۹ق.)، شرح لشکر کشی هولاکو به طرف ایران و سقوط الموت و تاریخ مختصر حکومت اسماعیلیه در آنجا است.

مؤلف بهندرت از منابع خود در هر یک، از سه جلد مذکور، یاد کرده است، اما از همان میزان اشارات مختصر او مشخص است که وی پیش از همه بر منابع شفاهی، به ویژه گفته‌های پادشاه، تکیه داشته است. منابع او به تفصیل مورد بررسی قزوینی، بویل، موسوی و بهریزه ملویل قرار گرفته است. ملویل با تفکیک منابع هر بخش از جهانگشای، شواهدی از انواع آنها هم آورده

است. منابع اصلی او در جلد اول گذشته از اطلاعات حاصل از اسناد، مشاهدات و مسوغات خانوادگی خود، برخی اسناد مغول و شنیده‌هایی از برخی شاهزادگان آنها است. علاوه بر این، او دست کم از پرلیغ‌های (= اسناد و فرمانهای شاهی) منکوقان استفاده کرده و احتمالاً به بخشی از تاریخ سری مغولان نیز دسترسی داشته است.

هیچ اثری از منابع دوره مغولان با نوشته جوینی از آن جهت که خود شاهد بسیاری از رخداد‌های آن دوره بوده و عاملان آنها را شخصاً می‌شناخته است، برابری نمی‌کند. منابع جلد دوم او نیز جدای از مسوغات، مشارب التجارب اثر علی بن زید بیهقی و جوامع العلوم نوشته فخرالدین رازی و به احتمال فراوان کامل فی التاریخ ابن اثیر بوده است. در جلد سوم نیز افزون بر شنیده‌ها و دیده‌های خود در جریان فتح الموت، او از کتابخانه عظیم اسماعیلیه در آنجا و به ویژه از دو کتاب مجهول‌المؤلف تاریخ جیلی و دیلم و سرگذشت سینا در مورد حسن صباح، نیز استفاده کرده است.^{۱۶}

بدین ترتیب، همچنان که استیون راسمیان در مقدمه خود بر ترجمه تاریخ جهانگشای به انگلیسی اشاره کرده است، هیچ اثری از منابع دوره مغولان با نوشته جوینی از آن جهت که خود شاهد بسیاری از رخداد‌های آن دوره بوده و عاملان آنها را شخصاً می‌شناخته است، برابری نمی‌کند. از این منظر جلد سوم بدان سبب که بخش اعظم آن حاصل مشاهدات شخص مؤلف است، معتبرترین بخش به شمار می‌رود.^{۱۷} همین اهمیت باعث شده است که تألیف جوینی به عربی، مغولی و دوباره به انگلیسی ترجمه شود.^{۱۸}

انگیزه و مشوق جوینی و منش و روش او نیز تا حدی از همان دیناچه جلد نخست روشن می‌شود. او تصریح می‌کند که در سال ۶۴۹ ق در کتاب ارغون، حاکم مغولی وقت ایران، برای مراسم تاج‌گذاری منکوقان به ترکستان سفر کرده حدود یک سال و پنج ماه در اردوی خان مغول بوده است. در همان مدت دوبار به خان (ظاهراً دیربان و منشیان) که جوینی از آنان به صورت مهمب با عنوان اجمعی از یاران و اخوان صفا یاد می‌کند، از او خواستند که برای تظلم ما برگزیده و تأیید مفاخر پسرندیده پادشاه وقت [منکوقان] (حک. ربیع الاول - ۶۴۹ شعبان ۶۵۷ ق) ... تاریخ می‌یابد. پرداخت ... که ناسخ آیات قیاصره و ماحی روایات اکاسره شده. اگرچه جوینی دانش و نگارش خود را شایسته چنین کاری دشوار نمی‌داند، سرانجام از یکسو بدان سبب که خراسان را از پس هجوم مغول خالی از عالمان می‌دید^{۱۹} و از

۵۱
تاریخ جهانگشای جوینی

^{۱۶} نکه تروینی، مقدمه بر تاریخ جهانگشای ج ۱، ص ۱۶-۱۷، بویل ۱۳۳۶، ص ۵۰۷-۵۰۶، موسوی، ص ۲۳۲-۲۳۱.

Book, p. xviii-xxix, here

to be found, listed for location of The History of the World, Congress, ۱۹۷۳, ۱۱.

^{۱۷} موسوی، ج ۱۹، ص ۲۳۲. در ترجمه جهانگشای جوینی به انگلیسی از آن مترسکی و بویل و طبع انتشارات دانشگاه مستر با همکاری دانشگاه هاروارد است. ترجمه مترسکی در سال ۱۳۳۶/۱۹۵۷ و ترجمه بویل در سال بیخاک منتشر شده است. نکه ویسی، ج ۴، ص ۲۱۶-۲۱۵.

^{۱۸} جوینی، ج ۱، ص ۱۱۳. این وضع را باید در نظر داشت که در آن زمان خراسان را از پس هجوم مغول خالی از عالمان می‌دیدند و از آن جهت که خراسان را از پس هجوم مغول خالی از عالمان می‌دیدند.

سوی دیگر خود تجربه حضور دهساله در دربار مغولان و چندین سفر به ماوراءالنهر و ترکستان داشت و از اخبار مغولان به بدیه یا شنیده از افراد موثق، آنگاه بود مو از التزام اشارت دوستان... چون چاره ندهد عدول نتوانست و امتثال امر عزیزان را حتماً مقتضاً دانست.^{۱۱}

با این تصریح آشکار است که او تألیفش را نه همچون دو هم‌ولایتی دیگر خود یعنی ابوالفضل بیهقی (نگارنده تاریخ بیهقی) و یا علی بن زید بیهقی (نویسنده تاریخ بیهقی)، در پیرسالی و به انگیزه شخصی و به قصد عبرت خوانندگان، بلکه در سنین ۲۷ تا ۳۵ سالگی و به سفارش درباریان و در کتاب حاکم مغول و به نیت «تخلید مآثر گزیده و تأیید مفاخر» خان وقت ایشان و به تبع مشروعیت بخشی به حاکمیت و تمجید از افعال حاکم، می‌نویسد. از این رو ناگزیر باید تحت نظارت آنان باشد و چنان بنگارد که هم سفارش‌دهنده را نیزارد و هم خواننده را فایز کند و انگیزه بخشد که کتابش را بخواند. ظاهراً همین سبب و انگیزه، او را واداشته بود تا بعضاً به وصف انراق گونه محاسن منکوقآن پردازد و قائل شود که: «... اگر در شرح احوال که روزیروز از ذات او [= منکوقآن] صادر می‌شود شروعاتی رود و در تقریر آن افعال خیر که ظاهر می‌گردد غرضی نموده آید، مجلدات مستغرق شود. از بسیار اندکی و از دریا قطره و از آفتاب ذره برفان قلم به سمع مستفیدان رسانیده شد. و می‌شود و التقلیل منها علی التکثیر دلیل؛ و چون آوازه عدل و انصاف او در افطار و اطراف شایع و قایض گشت فریب و بعید دور و نزدیک بر عینی او بر غیبتی صادق النجا می‌جویند و از یأس او امان می‌یابند و دیگران را که مسافت بعدی زیادت دارد همان تمنی می‌کنند.»^{۱۲}

همین سفارشی بودن تاریخ جهانگشای می‌تواند این فرض را در بادی امر مطرح سازد که نسبت دادن مرنوشت تلخ حکومت وسیع خوارزمشاهیان و ویرانی شهرهای ایرانی و قتل میلیون‌ها تن از ساکنانش به مشیت الهی نیز، می‌توانست به نیت میرا کردن مغولان و همسو با سیاست آنان باشد. اهمیت این موضوع توجه مورخان را در پی داشته و مورد پژوهش حسن‌زاده و بعد از او شرقی، فرا گرفته است. به‌زعم حسن‌زاده مشیت الهی در تاریخ جهانگشای تحت تأثیر تاریخ‌نگاری سنتی است و اندیشه جویینی آمیزهای از تفکرات دینی و سیاسی - دیوانی است که اولی تبعید در برابر قتل‌لله و دومی فرمانبری منفعلانه ناشی از ترس و منافع شخصی را توصیه می‌کند. به‌زعم این موضوع او به ارائه شواهدی از اعتقاد جویینی به مؤثر دانستن اراده و اختیار انسان نیز پرداخته و نهایتاً به‌صورت کلی نتیجه گرفته است که جویینی موضعی یگانه در برابر نقش قضا و قدر نداشته، اندیشه‌اش میان جبر و اختیار انسان در نوسان است.^{۱۳} شرقی نیز قدیمه تقدیرگرایانه جویینی را بر آمده از اعتقاد قلبی و اندیشه دینی و جبرگرایانه او دانسته است، نه ناشی از خیانت وی به جامعه خویش و خدمت به مغولان.^{۱۴} به هر روی با وجود

^{۱۱} نکه جویینی، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸
^{۱۲} جویینی، ج ۲، صفح ۸۲-۸۱
^{۱۳} نکه حسن‌زاده، ص ۱۵۹
^{۱۴} نکه حسن‌زاده، ص ۱۵۹-۱۵۸؛ نیز، شرقی، ص ۳۸، ۳۷

نکات ارزشمند این دو پژوهش، آن‌ها مشخص نمی‌کنند که جوینی در چه موضعی در تاریخ جهانگشای وقوع و نتیجه رویداد را به تقدیر گره می‌زند و در چه موضوعاتی تعقل و اختیار انسان را دخیل می‌داند. از همین رو است که شرفی با نادیده گرفتن موضوعاتی که جوینی در آن عقل و اختیار انسان را عامل دانسته است، یک‌سراسر از مشیت تقدیرگرایانه او سخن گفته است و حسن‌زاده اندیشه جوینی را معلق میان مشیت و اختیار بشر معرفی کرده است.

علاوه بر این، بازخوانی مجدد اندیشه جوینی، محتلاً روشن سازد که چه تنگنمایی او را وادار به تناقض‌گویی کرده است که فی‌المثل با وجود تلاش برای مشروع جلوه دادن حکومت مغولان، نهایتاً تصویری مشیت از آنان ارائه نکرده حتی آنان را «شایدین ناتاره بخواند» و اگرچه اثر خود را به خواست دربار آنان نگاشته، لیکن به تظہیر بسیاری از اعدایان نیردازد. فراتر از آن،

متصفانته به نقد دشمنان مغولان بنشیند، چنانکه به سیاست ناکارآمد و ترس و فرار سلطان محمد خوارزمشاه می‌تازد و او را «مطمعون السنه بشره» خطاب می‌کند، اما فرزندش جلال‌الدین را که خصم مغولان است و سال‌ها به مقاومت در برابر آن‌ها پرداخته است، همراه با ستایش سخت با پهلوانان شامنامه می‌سنجد.^{۳۳} همچنین، هدفمندانه از اشعار فردوسی بهره می‌برد تا مغولان را با دشمنان سنی ایرانیان یعنی ترکان و افراسیاب مقایسه کرده و بر دیرپایی و ماندگاری تمدن ایرانی تأکید کند.^{۳۴}

به هر صورت، امتیازات فراوان تاریخی و ادبی تاریخ جهانگشای جوینی مانع نادیده گرفتن کاستی‌های آن نشده است. گزارش گلگرا و بدون جزئیات، عدم ذکر تاریخ وقوع برخی رویدادها یا ذکر اشتباه تاریخ آن‌ها و ثبت نادرست برخی اسامی اعلام، از جمله این نواقص است که محققان آن را ناشی از اشتغال و گرفتاری پرشمار مؤلف در دیوان مغولان و اجبار او به همراهی با حاکم دائماً در کوچ مغولان دانسته‌اند.^{۳۵} جوینی خود نیز معترف برخی از این کاستی‌ها است و سبب آن را ضمن اشارهای گذرا به شدت کشتار و ویرانی مغولان در شهرها و ولایات مختلف خراسان آورده است. او در آنجا تصریح می‌کند که «اگر فارغ‌دلی باشد که ... همت او بر ضبط احوال مشغول باشد، در زمانی طویل از شرح یک ناحیت تقصی نکند ... تا بدان چه رسد که از روی هوس مخترع این کلمات را باز آنک طرفه العینی زمان تحصیل میسر

^{۳۳} جوینی، ج ۱، صص ۱۲۰۰-۱۲۳۳، همان‌جا نکت.

33. Ibid., 1200.

با این وصف، روشن است که نقل این طعنه نیز، نه برای ترسان شدن بلکه در اصل برای توضیح روشنگرانه رویدادها و پانشار داده فوایدی نوپسند است. از همین رو، در صورت ناکتاری، یعنی نه از نظر بنده، معلق با گزارش‌های خود عقل می‌کند.

نکت مقدمه تفریحی، مقدمه بر تاریخ جهانگشای ج ۱، صص ۱۹۹.

تاریخ
 ۵۴

نیست چه مگر در اسفار بعید یک ساعتی در فرصت نزول اختلاسی می‌کند و آن حکایات را سواد می‌نویسد.^{۳۸} همچنین در جایی دیگر با این عبارت که ... در آن شیوه التزام ایجاز و اقتضای می‌کند تا جماعتی که این کتاب را به مطالعه مبارک مکتوم کنند مؤلف این حکایات را به مکتوبی نسبت ندهند، بر ترجیح خود بر اختصار نویسی صحنه گذاشته است.^{۳۹}

افزون بر این، کاستی‌های بارز دیگری نیز در تاریخ جهانگشای هست، از جمله آنکه نویسنده موفق به اتمام آن نشد و ویرایشی نهایی نیز از همان بخش نوشته شده ارائه نکرد. از جمله شواهد حاکی از عدم ویرایش، سوای نادره گزین ثبت تاریخ برخی وقایع با ثبت اشتباه آن‌ها، تناقض‌گویی نویسنده است.^{۴۰} برای ناتمام ماندن تاریخ جهانگشای نیز دست‌کم سه نشانه وجود دارد. نخست آنکه، اگر چه جوینی تا سال ۶۵۸ مشغول نگارش آن بود، لیکن جریان وقایع را تا آن سال و یا دست‌کم تا سال مرگ منکوقاآن یعنی ۶۵۷ ق امتداد نداد. نشان دوم آن است که ۷ یا ۸ خط بخش مربوط به لرغون و حدود یک صفحه از بخش پایانی وزرای منکوقاآن در یکی از نخستین نسخ خطی باقی‌مانده از این اثر، خالی است. این خطوط ناتواسته به زعم محمد قزوینی و بویل می‌بایست بدان مفهوم باشد که نویسنده در پی تکمیل مباحث آن صفحات در آینده بوده است، لیکن هیچ‌گاه این نیت او عملی نشده است.^{۴۱}

مزید دیگر تا تمام ماندن تاریخ جهانگشای، ارجاع به فضولی از آن است که اساساً در کتاب وجود ندارد؛ از جمله: در جلد یک و در بخش مربوط به هرات و دست‌کم پنج ارجاع دیگر در جلد سوم.^{۴۲} همین کاستی‌ها موجب شده است که به زعم دیوید مورگان این اثر، نهایتاً هیش از آنکه تاریخ منسجم مغولان باشد، مجموعه‌ای شده است از اطلاعات در مورد هجوم آنان و دیگر موضوعات.^{۴۳}

به هر صورت، چنانکه اشاره رفت، قزوینی، بویل و ملویل، گرفتارهای متعدد جوینی به‌ویژه پس از انتصاب به حکومت عراق را موجب بروز برخی اشتباهات و عدم پرداختن به حوادث سال‌های پس از ۶۵۵ ق دانسته‌اند.^{۴۴} اما چنین می‌نماید که عللی جدی‌تر او را از تکمیل این اثر که به هر روی از سوی دربار به نگارش آن مأمور شده بود، باز داشته است. چرا که جوینی جمع‌کننده از اهل ادب و تاریخ را جذب خود کرده بسیاری از وقت و ثروت خود را صرف

^{۳۸} جوینی، ج ۱، ص ۱۹۹.
^{۳۹} جوینی، ج ۱، ص ۱۹۳.

Shahbazi, p. 141; Hava, 293c; Bayle, p. 201-202; 30 Bayle, 200.

Shahbazi, 140a.

^{۴۰} به نقل از

همچنین برای آگاهی از نتایج بویل در تأیید عدم انسجام چند بخش از تاریخ جهانگشای:

Bayle, p. 201-202.

^{۴۱} قزوینی، مقدمه بر تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۹۹.

Bayle, p. 201; Shahbazi, 140a.

ایشان می‌کرد.^{۳۳} مهم‌تر آنکه، این بی‌بی از جمله مورخان مورد حمایت جوینی نیز، اشاره کرده‌است که او قصد اذکار مساعی جهانداران ماضی از خواقین و خلفا و سلاطین و ملوک و وزراء را داشت و از همین روه، از او خواست تا تاریخ سلاطین سلاجقه روم را بنگارد که حاصل آن همین کتاب فارسی الاوامر العالیه است.^{۳۴} با این وصف، دور می‌نماید که او صرفاً به سبب اشتغال و گرفتاری، نگارش تاریخ جهانگشای را رها کرده باشد.

به هر روی، به رغم انجام پژوهش‌های ارزشمند در مورد شخص عظاملک جوینی و تاریخ جهانگشای او، همچنان مسائل و ابهاماتی در مورد وی و تألیفش وجود دارد. سبب دو نسب متفاوت از جوینی، اندیشه متناقض او در تاریخ جهانگشای، سبب عدم ویرایش و تکمیل آن، موضوعاتی است که با اختصاص پژوهشی مستقل، می‌تواند چهره‌ای روشن‌تر از این مورخ بزرگ و اثر گرانسنگ او ارائه کند.

^{۳۳} این موضوع در کتبات مقدسیان نو و ادیبان و مورخان که در بغداد گردو جمع شده بودند، آشکار است. ذکر توسط، ج ۱، ص ۱۲۱، ۱۲۲، ج ۲، ص ۱۳۱، ۱۳۲، ج ۳، ص ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۶۷، قزوینی، مقدمه بر تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۸۰-۸۶.

^{۳۴} ابن جریر، ص ۱۶۱۲.

منابع

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن؛ الکامل فی التاریخ؛ بیروت: دار صادر- دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵ م.
ابن العلقمقا، محمد بن علی طباطبایا القنبری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیة؛ بیروت: دار صادر، بی تا.

ابن بربی، حسین بن محمد، بن علی الجعفری؛ الأوسر العلاتیة فی امور العلاتیة؛ تصحیح نجاتی اوغال، عدنان صادق ارزی؛ آنقره ۱۹۵۷ م.

ابن فوطی شیباتی، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد، مجمع الآداب فی معجم الاقناب، تحقیق محمدالکاظم، تهران: وزار فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۵ ق/ ۱۳۷۴.

بوئل، آ. آثار جوینی و رشیدالدین به عنوان منابع تاریخ مغول، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، سخن (دوره ۲۳، ش ۵، فروردین ۱۳۵۳) ص ۵۱۲-۵۰۷.

بهار، محمدتقی؛ سبکشناسی؛ تاریخ تطور نثر فارسی؛ تهران: چاپخانه خود کار، ۱۳۲۱-۱۳۲۶ ش.
جوینی، علاءالدین عظاملک بن یحیی؛ محمد بن محمد؛ تاریخ جهانگشای؛ تصحیح محمد فرزینی؛ ج ۴، تهران: ذیای کتاب، ۱۳۸۵.

حسینزاده، اسماعیل؛ اندیشه مشیت الهی در تاریخ نگاری اسلامی؛ مطالعه موردی، تاریخ جهانگشای جوینی؛ تاریخ اسلام (بهار ۱۳۸۰، شماره ۵) صص ۱۶۶-۱۳۳.

حیدرالله مستوفی؛ نزه القلوب؛ به کوشش گای لسترینج؛ تهران: ذیای کتاب ۱۳۶۲.

خواندمیر، غیاثالدین بن همام الدین؛ دستور الوزراء؛ تصحیح سعید نفیسی؛ ج ۲، تهران: اقبال ۲۵۳۵.

ذهبی؛ شمس الدین محمد بن احمد؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م.

ریبی، منیر؛ تاریخ جهانگشای؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۶؛ زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی ۱۳۸۰.

رجبزاده، هاشم؛ جوینی، خاندان؛ دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱۱، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۶.

سجادی، صادق؛ جوینی، ابوالمظفر؛ تاریخ جهانگشای؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کانلم موسوی بجنوردی، ج ۱۹، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۴.

شرقی، محبوبه؛ بازناب، اندیشه مشیت الهی در تاریخ نگاری عصر ایلخانی (با تأکید بر تاریخ جهانگشا و تاریخ و صاف)؛ جستارهای تاریخی (سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲)؛ صص ۹۱-۶۹.

مرضوی، منوچهر؛ تحقیق دوباره دوره ایلخانان ایران؛ تبریز: کتاب فروشی تهران، ۱۳۲۱.

موسوی، مصطفی؛ تاریخ جهانگشای؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کانلم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶.

یاقوت حموی؛ ابوعبدالله؛ معجم الادبای مصر؛ وزارة المعارف العمومیة، بی تا.

- Boyle, J. Andrew; Translation of *The History of world- Conqueror* by 'Al'-ud-Din 'Ata-
Malik Juvaini; Harvard university press, 1968
- McNeill, Charles, "JAH'NGOS'-YE JOVAYNI," *Encyclopedia Iranica*, XIV/7, pp. 778-
781, available online at <http://www.iraniconline.org/articles/jahangosa-ye-jovayni>
- SOURDEL, D. "AL-BAI B. AL-RAB ", *EI*, V.7; Brill. 1993

۷۷۸

۷۷۸

۷۷